روزنامه شرق

دوشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۵
۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۵ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۹۲
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

صدراعظم آلمان با بسته تازه نظامی، مالی و انرژی، حمایت از اوکراین را افزایش می‌دهد

آزمون اراده‌ها در پنجمین زمستان جنگ

۴

در «شرق» امروز می‌خوانید: گزارش زشت تکواندو علیه حریف • برزیل در دوراهی «لولا» و «بولسونارو» • درس‌هایی از دیاسپورای ارمنی/ علی مرسلی • نظریه بازی‌ها و بحران صنعت طلای دیجیتال ایران

بررسی آینده حرفه معلمی و موانع پیش‌رو در روز جهانی معلم

۶۰ سال در انتظار منزلت

گزارش تیتر یک را در صفحه ۵ بخوانید

خط‌ونشان وزیر خارجه ایران در دیدار با تعدادی از سفرا و رؤسای نمایندگی‌های دیپلماتیک خارجی:

هشدار و پیشنهاد روی میز تهران

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: عرفان خوشخو/ ایسنا

یادداشت

درس اسپوتنیک برای عصر هوش مصنوعی

امیراحمد شیشه‌گر

صبح دیروز، درست ۶۹ سال از شبی گذشت که صدای کوتاه و تکرارشونده یک گوی فلزی از فضا به زمین رسید. اسپوتنیک یک، نخستین ماهواره مصنوعی جهان، در چهارم اکتبر ۱۹۵۷ به مدار رفت. قطری حدود ۵۸ سانتی‌متر داشت، ۸۳٫۶ کیلوگرم وزن داشت و تقریبا هر ۹۸ دقیقه یک بار زمین را دور می‌زد. اما وزن سیاسی آن بسیار بیشتر از وزن فیزیکی‌اش بود: یک «بیپ» ساده نشان داد توازن توان علمی، صنعتی و نظامی ممکن است با تصورات رایج تفاوت داشته باشد. امسال هفته جهانی فضا از چهارم تا دهم اکتبر با عنوان «انقلاب موشکی» برگزار می‌شود. هم‌زمان، بحث دیگری درباره قدرت فناورانه در جریان است. در نشست‌های اخیر مجمع عمومی سازمان ملل، نمایندگان کشورهای درحال‌توسعه هشدار دادند که نباید صرفا مصرف‌کننده هوش مصنوعی یا پذیرنده قواعدی باشند که دیگران نوشته‌اند. تنها در چهار سال، شمار هیئت‌هایی که در مجمع عمومی به هوش مصنوعی پرداخته‌اند، از پنج به ۱۲۸ رسیده است. پیوند این دو رویداد طبیعی است، اما نباید آن را به قیاسی سطحی میان مسابقه فضایی و رقابت هوش مصنوعی فروکاست. درس اصلی اسپوتنیک این نیست که هر کشور باید هرچه سریع‌تر یک پروژه پرزرق‌وبرق به نمایش بگذارد. درس مهم‌تر این است که قدرت فناورانه در یک شیء یا محصول خلاصه نمی‌شود؛ محصول قابل مشاهده فقط نوک یک نظام بزرگ‌تر از آموزش، پژوهش، صنعت، انرژی، نهاد و تصمیم‌گیری است.

واکنش آمریکا به اسپوتنیک نیز صرفا ساختن ماهواره‌ای دیگر نبود. تصویب قانون آموزش دفاع ملی در سال ۱۹۵۸، منابع قابل‌توجهی را به آموزش عالی، علوم، ریاضیات و زبان‌های خارجی اختصاص داد. همان سال، قانون فضا به ایجاد ناسا انجامید. درباره جهت‌گیری نظامی این واکنش‌ها می‌توان و باید بحث کرد؛ اما از منظر سیاست فناوری، نکته روشن است: یک علامت خارجی به بازسازی ظرفیت‌های داخلی ترجمه شد. امروز نیز مدل زبانی، ربات یا نمایش جذاب یک نرم‌افزار فقط بخش آشکار هوش مصنوعی است. پشت آن، زنجیره‌ای از تراشه، مرکز داده، برق، ارتباطات، داده قابل اعتماد، نرم‌افزار، نیروی انسانی، قراردادهای دسترسی و قواعد حقوقی قرار دارد. تمرکز توان محاسباتی، داده و استعداد در شمار محدودی از کشورها و شرکت‌ها چنان جدی است که دبیر کل سازمان ملل آن را یکی از مسائل اصلی حکمرانی جهانی هوش مصنوعی دانسته است. برای کشورهای درحال‌توسعه، از جمله ایران، وسوسه «پاسخ اسپوتنیکی» قابل فهم است: معرفی یک مدل ملی، خرید مجموعه‌ای از پردازنده‌ها یا افتتاح یک مرکز داده می‌تواند نشانه پیشرفت تلقی شود. اما اگر برق پایدار، داده مناسب، نیروی متخصص، امکان تعمیر و ارتقا، استانداردهای انتقال‌پذیری و قواعد پاسخ‌گویی وجود نداشته باشد، پروژه نمادین به ظرفیت پایدار تبدیل نمی‌شود. این سخن به معنای کنارگذاشتن توسعه داخلی یا پذیرش وابستگی کامل نیست. اتفاقا باید میان «مالکیت یک محصول» و «اختیار راهبردی» تفاوت گذاشت. ممکن است سامانه‌ای داخلی باشد، اما به قطعه، نرم‌افزار یا خدمتی وابسته بماند که منشأ کنترل آن بیرون از سازمان یا کشور است. برعکس، ممکن است از یک فناوری خارجی استفاده شود، ولی قرارداد، معماری باز، نسخه پشتیبان و امکان انتقال داده، هزینه خروج را کاهش دهد. پرسش راهبردی صرفا این نیست که فناوری را چه کسی ساخته است؛ باید پرسید در شرایط اختلال، چه کسی می‌تواند دسترسی را محدود کند، تغییر مسیر چقدر زمان می‌برد و چه کارکردهایی از دست می‌رود. گزارش توسعه جهانی ۲۰۲۶ بانک جهانی نیز برای کشورهای درحال‌توسعه میان سه مسیر تمایز می‌گذارد: پذیرش ابزارهای موجود، سازگارکردن آنها با نیازهای محلی و پیش‌بردن ظرفیت‌های جدید. این گزارش صریحا هشدار می‌دهد که کشورها باید از اتلاف منابع محدود و وابستگی بیش‌ازحد به یک عرضه‌کننده اجتناب کنند. بنابراین خودکفایی نمایشی و مصرف‌کنندگی منفعل، تنها گزینه‌های موجود نیستند.

ادامه در صفحه ۷

یادداشت

نسبت حقوق بشر و ترور مخالف

احسان هوشمند

همزمان با اعتراضات دی‌ماه سال گذشته و نیز وقوع جنگ و حملات آمریکا و اسرائیل به ایران، تعدادی از جریان‌های اپوزیسیون ایرانی که بیشتر آنها در خارج از کشور مستقر هستند، بر تکاپوها و نشست‌های مشترک با دیگر جریان‌ها و حتی رقبا و دشمنان دیروز افزوده و هرازگاهی اخباری از این نشست‌ها و حتی گاه ائتلاف‌ها منتشر می‌شود. ائتلاف چند سازمان کردستانی در سال گذشته یکی از این اتفاقات بود که گروه‌های مسلح کردستانی مستقر در اقلیم کردستان عراق با اختلافات عمیق تاریخی را گرد هم آورد؛ گروه‌هایی که سابقه درگیری‌های خونینی با یکدیگر در کارنامه داشتند، فعالیت کنگره آزادی را اعلام کردند که گروهی از سازمان‌ها و افراد با گرایش عموما چپ را گرد هم آورد و متأسفانه تعدادی از افرادی که در گذشته صبغه اصلاح‌طلبی یا حتی ملی‌مذهبی داشتند با این گروه‌ها هم‌نوایی کرده‌اند که در جستاری جداگانه باید علل و دلایل چنین امری بررسی شود. شاید یکی از دلایل این هم‌نوایی این باشد که در دوره جنگ از سوی دونالد ترامپ و بعضی از رسانه‌های اسرائیلی فاش شد که سناریوی ناکامی ورود گروه‌های مسلح کردستانی به ایران طراحی شده بود و این سناریو احتمال دارد گروه‌های اپوزیسیون عمدتا چپ و مقیم در اروپا را در این رؤیا برده باشد که سازمان‌های مسلح کردستانی یا بلوچستان مورد توجه طرف‌های خارجی هستند و شاید هم در داخل اقبالی به آنها وجود داشته باشد و به فکر هم‌نوایی با این سازمان‌های مسلح افتاده‌اند. در روزهای اخیر هم کنفرانسی با عنوان «بحران حقوق بشر در ایران: از اصول مشترک تا اقدام مشترک» در نروژ برپا شد که از جمله این رویکردها و اتفاقات اخیر است که البته بیشتر شرکت‌کنندگان این نوع برنامه‌ها از نیروهای چپ و کمونیست سابق بوده و بخشی از آنان نیز یا در حال حاضر مسلح هستند یا در سابقه فعالیتشان، جنگ چریکی و اقدامات نظامی ثبت شده است. بنا بر اخبار انتشاریافته در نشست اسلو بیش از ۱۵ سازمان ریز و کوچک تا سازمان‌های تجزیه‌طلب و مسلح شرکت داشتند و درباره «امکان همکاری و اقدام مشترک در زمینه حقوق بشر» گفت‌وگو کردند و در نهایت نمایندگان سازمان‌های شرکت‌کننده در این نشست در مراسمی عمومی «اصول حداقلی حقوق بشر» را امضا کردند و بر ایجاد سازوکارهایی برای واکنش سریع‌تر و مؤثرتر به موارد جدی نقض حقوق بشر در نقاط مختلف ایران تأکید کردند. یکی از شرکت‌کنندگان که از مارکسیست‌های باسابقه ایرانی مستقر در خارج از کشور است، در این نشست گفت: «نیروها و سازمان‌هایی که با سلب حق حیات مخالف‌اند، باید بتوانند با وجود اختلافات سیاسی خود در این زمینه اقدام مشترک انجام دهند». یکی از اعضای گروه‌های مسلح که شعبه ایرانی سازمان پ‌ک‌ک است، در این نشست گفت: «حقوق بشر نباید صرفا تعهدی برای حکومت آینده تلقی شود، بلکه باید معیار رفتار گروه‌های سیاسی در زمان حاضر و یکی از پایه‌های ساخت آینده ایران باشد». او افزود: «اگر فقط از حقوق کسانی دفاع کنیم که شبیه ما فکر می‌کنند، هنوز از حقوق بشر دفاع نکرده‌ایم؛ بلکه از گروه خودمان دفاع کرده‌ایم». جالب است که این سازمان در همین روزهای کنفرانس در حال ترور تعدادی از شهروندان کرد ایرانی غیرنظامی بود که با سازمان‌های مسلح همراه نبوده‌اند. این در حالی است که این دست از سازمان‌ها همواره رویکردهای حکومت در قبال دگراندیشان را نفی می‌کنند. این نخستین باری نیست که سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی مستقر در خارج از کشور بر حقوق بشر و حق اساسی حیات تأکید می‌کنند و بر مبنای آن به نقد و رد رویکردهای جاری توسط سیستم سیاسی مستقر می‌پردازند بلکه این دست سازمان‌ها در دهه گذشته همواره بر حقوق بشر پرداخته و رویه خود را در راستای تعمیق ارزش‌های مرتبط با حقوق بشر ارزیابی کرده‌اند. البته در این برنامه‌ها کارنامه حقوق‌بشری گذشته این دست از سازمان‌ها به ویژه سازمان‌هایی که سابقه فعالیت مسلحانه دارند، هیچ‌گاه مورد بررسی و ارزیابی قرار نگرفته است. گفته شد تعدادی از این سازمان‌ها امروزه مسلح هستند و برخی از آنها نیز پیش‌تر مسلح بوده و اقدامات مسلحانه زیادی را در کارنامه خود ثبت کرده‌اند. در این دست از اقدامات مسلحانه هم لزوما نیروهای مسلح دولتی هدف قرار نگرفته و گاه افراد غیرنظامی هدف قرار گرفته‌اند. ضمن آنکه گاه برخی از این سازمان‌ها در کارنامه خود سابقه برگزاری دادگاه صحرایی برای محاکمه اسرای نظامی و غیرنظامی را ثبت کرده و به‌سرعت اسرای خود را در دادگاه صحرایی به اعدام محکوم و اسیر مربوطه را اعدام کرده‌اند. این رویه درباره این دست از سازمان‌های مسلح در گذشته هیچ‌گاه از منظر حقوق بشر مورد نقادی قرار نگرفته و آمران و عاملان آن بازخواست نشده‌اند و حتی تاکنون آماری از کم و کیف چنین اقداماتی توسط آنان منتشر نشده است.

ادامه در صفحه ۷

سرمقاله

تغییر ساختار نظام جهانی و پیامدهای آن

حمزه نوذری
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

والرشتاین، جامعه‌شناس معروف، برای توضیح دگرگونی‌ها و رخدادها معتقد است تحولات در میان کشورها را باید با توجه به دوره‌های بلندمدت فهمید. او کشورها را به سه دسته مرکز، پیرامون و نیمه‌پیرامون تقسیم‌بندی می‌کند. از نظر او تحولات درونی کشورها را هم باید بر اساس تغییرات جهانی درک کرد. واحد تحلیل او فرد، گروه، حزب، جامعه و کشور نیست؛ نظام جهانی است. از منظر این دیدگاه، توزیع قدرت در میان کشورهای بزرگ، ثبات در روابط کشورهای مرکز و نوع رابطه کشورهای مرکز با کشورهای پیرامون و نیمه‌پیرامون در وضعیت نظام جهانی اثرگذار است. وقتی مرکز دچار پراکندگی قدرت (یعنی به صورت چندقطبی) است، چندین قدرت رقیب هم‌زمان بر سر دستیابی به قدرت برتر در نظام جهانی با یکدیگر رقابت می‌کنند. در نتیجه نظام جهانی دچار بی‌ثباتی و تنازع می‌شود. یکی از ویژگی‌های دوره ناپایداری مثل این روزها، دخالت بیشتر دولت‌های بزرگ در تنظیم روابط اقتصادی و تجاری در قالب محدودیت‌های وارداتی و حمایت‌گرایی است. زمانی که یک قطب بر مرکز حاکم است، در میان کشورها ثبات وجود دارد و نیاز چندانی به مداخله آشکار سیاسی برای تنظیم تجارت نیست. به نظر می‌رسد نظام جهانی وارد چرخه جدیدی شده که دارای مختصات زیر است:

۱. افول سلطه ایالات متحده آمریکا که باعث ناپایداری کشورهای مرکز شده است. چین با قدرت اقتصادی و نظامی آمریکا به معارضه برخواسته است و در این میان اروپا دچار آشفتگی در تنظیم روابط میان آمریکا و چین شده است.

۲. ظهور مجدد دخالت‌های سیاسی در تنظیم سیاست‌های تجاری به شکل حمایت‌گرایی و محدودیت‌های وارداتی.

۳. اعمال نظارت‌های سیاسی آشکارتر بر مناطق پیرامونی از طریق فروش تسلیحات.

۴. شدت‌گرفتن خرید اسلحه در میان کشورها. حتی کشوری مانند ژاپن بخش زیادی از تولید ناخالص داخلی را به خرید و تولید تسلیحات اختصاص داده است.

ایالات متحده آمریکا در چنین وضعیتی تلاش می‌کند با تهاجم، فشار و تهدید کشورهای دیگر، مسلح‌کردن نظام جهانی را یکپارچه و سلطه خود را حفظ کند. هرچه زیرساخت‌ها و سیاست‌های کشورهای پیرامون و نیمه‌پیرامون با منافع و خواست آمریکا انطباق یابد، آن کشورها امکان تجارت می‌یابند وگرنه تحریم می‌شوند. رئیس‌جمهور آمریکا اعلام می‌کند که سلطه آمریکا بر منابع انرژی، در حوزه انرژی برای کشورها امنیت به ارمغان می‌آورد. نظام سیاسی آمریکا از روابط اقتصادی کم‌تعرفه و فروش تسلیحات پیشرفته برای حفظ نفوذ خود استفاده می‌کند. دیگر سخن از تجارت آزاد به فراموشی سپرده شده است. به نظر می‌رسد نظام جهانی در حال دگرگونی عمیق است که از نتایج آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. کم‌اثرشدن و اضمحلال سازمان‌های بین‌المللی فعلی حتی سازمان ملل متحد.

ب. اثرات مخرب و ویرانگر بر کشورهای پیرامون و نیمه‌پیرامون.

ج. شدت‌یافتن تخاصم و جنگ حتی در میان کشورهای پیرامون.

نظام جهانی قبل از این نیز در دوره افول قدرت بریتانیا شاهد چنین آشفتگی‌هایی بود که کشور ما نیز از اثرات مخرب آن در امان نماند. برخی کشورها سعی می‌کنند بیرون از صحنه آشفته نظام جهانی باقی بمانند، اما کوچک‌ترین رخدادی به‌سرعت می‌تواند آنها را هم درگیر کند. اما دولت ایالات متحده آمریکا برخی کشورها را که منابع ارزشمندی دارند یا احتمال می‌دهد که در تغییر در حال وقوع ساختار نظام جهانی نقش داشته باشند، به هر ترتیبی که شده سعی می‌کند آنها را تضعیف کند. مقاومت و شجاعت ایرانیان نشان داد آمریکا هژمونی و قدرت نرم و سخت گذشته را ندارد. به نظر می‌رسد جهان وارد دوره ناپایداری شده است که درد و رنج مردمی که نقشی در آن ندارند، افزون شده و بی‌گناهان قربانی می‌شوند.

برگزیده‌ها

بررسی عملکرد کاروان ایران در بازی‌های آسیایی ناگویا

بازگشت به جمع شش‌تا با چاشنی تردید

۶

روایت خانواده، مدیر مدرسه و فعال اجتماعی از ابهام‌های پرونده دختری که ۱۵ روز بعد از ازدواجش جان باخت

مرگ مشکوک «شیلان» ۱۵ ساله در خانه شوهر

۵

اصغر فرهادی: چه کسی از شما خواست بیایید و ما را نجات بدهید؟

۸

نقشه راه سندیکا برای برق پایدار؛ تسویه مطالبات، تأمین ارز و توسعه متوازن با مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌سازی

آینده برق با بخش خصوصی روشن می‌شود

۳

گزارشی از ارتباط بازار کار و انتخاب رشته

فناوری؛ انتخاب پشیمان‌ها بعد از فارغ‌التحصیلی است

۷

یادداشت

سهام «آب» در بورس

جهش مالی‌سازی دارایی‌های عمومی

ابوالفضل گرمابی

گویا مسئله «کشف قیمت» به چنان دغدغه‌ای تبدیل شده که دولت به جای تمرکز بر وظیفه اصلی خود در تأمین و مدیریت منابع در شرایط جنگی، فقط در پی حل معضل «کشف قیمت» است. کشف قیمت بنزین، کشف قیمت برق و حالا کشف قیمت آب (!) راه‌حل‌ها هم همیشه به یک جا ختم می‌شوند: اوراق‌سازی گواهی‌های استفاده از کالا و عرضه آنها در بورس برای کشف قیمت. توجیه قانونی نیز پیش از این به همت شبه‌کارشناسان مستخدم الیگارشی در قانون برنامه هفتم جای‌گذاری شده است. «گواهی استفاده از آب»، در بورس عرضه خواهد شد تا مطالبات وزارت نیرو از صنایع بابت آب‌بها پس از کشف قیمت واقعی آب، با این اوراق تسویه شود. اما این فقط ظاهر ماجراست. مسئله مهم‌تر، آغاز فرایندی است که در آن یک منبع طبیعی و عمومی، از مسیر «گواهی»، «معامله» و «قیمت بازار»، به یک دارایی مالی-اقتصادی تبدیل می‌شود. بنابراین از اینجا به بعد، دیگر فقط با مدیریت مصرف آب مواجه نیستیم؛ با مسئله مالی‌سازی آب مواجهیم. البته تمام پیشرفت متخصصان مالی دولت، با وجود سروصدای زیاد و ژست‌های شیک، به همان مراسم سنتی «چوب‌زنی» بازار ماهی‌فروش‌های شمال ایران رجعت کرده است. مردی از اهالی بازار بر سر ماهی‌های تازه صیدشده می‌ایستد و هر بار قیمتی بالاتر اعلام می‌کند تا ماهی‌ها به بالاترین قیمت فروش رود. حالا همان منطق، با زبان پیچیده‌تر مالی، قرار است بر سر فروش منابع عمومی اجرا شود؛ با این تفاوت که این بار موضوع «چوب‌زنی» بر سر آب است و باید بالاخره «قیمت درست» آن پیدا شود. مانند طرح‌های مشابه، فعال‌سازی این طرح مالی، در واقع شروع یک فرایند مالی‌سازی و تعمیم آن به کل بازار آب در سال‌های آینده خواهد بود.

ادامه در صفحه ۴